

# کتاب دانیال — شماره چهارده

دانیال باب دوم — خلاصه و نتیجه‌گیری، بخش اول

Jeff Pippenger

2023-12-09

«در مکاشفه، همه کتاب‌های کتاب مقدس به هم می‌رسند و پایان می‌یابند. در اینجا مکمل کتاب دانیال است.» اعمال رسولان، ۵۸۵.

حقیقتی که یوحنا آن را «مکاشفه عیسی مسیح» معرفی می‌کند، و شیری از سبط یهودا از ژوئیه ۲۰۲۳ تاکنون برای قوم خود مهرگشایی کرده است، هنگامی به کمال می‌رسد که کتاب دانیال با کتاب مکاشفه در کنار یکدیگر قرار گیرد. فصل دوم دانیال، در چارچوب آزمون تصویر وحش در ایام آخر، پیام فرشته دوم را نمایندگی می‌کند. این فصل فرایندی از آزمون و نیز دوره‌ای مشخص از آزمون را معرفی می‌کند.

دوره و فرایند باب دوم دانیال، که با هفتاد سال اسارت دانیال به تصویر کشیده شده است، به طور نمونه‌ای بیانگر دوره آزمون پروتستان‌ها در تاریخ میلریتی بود. پروتستان‌ها در فرایند آزمون خود ناکام ماندند و به دختران روم تبدیل شدند. از لحاظ نبوی، دختر نمونه مادر خویش است؛ و روم وحشی نبوی است. ناکامی آنان و انتقال متعاقبشان به دختران روم، آزمون تصویر وحش را در تاریخ کنونی ما به طور نمونه‌ای نشان می‌دهد، زیرا آنان به تصویری از وحش منتقل شدند. از این رو، فرایند آزمون کنونی ما هم با هفتاد سال اسارت دانیال نمایانده می‌شود، و هم با تاریخ پیام فرشته دوم در جریان جنبش میلریتی.

در تاریخ پیام فرشته دوم که در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ آغاز شد، دوره‌ای مشخص و فرایندی از آزمون وجود دارد که به طور نمادین به صورت رؤیای تصویر و جانوران نبوکدنصر بازنمایی شده است؛ زیرا در نبوت کتاب مقدس، پادشاهی نیز جانوری است. نبوکدنصر و نجاران دینی گلدانی نمایانگر کسانی هستند که در آزمون ناکام می‌مانند، و دانیال و آن سه یار شایسته نمایانگر کسانی هستند که آزمون را با موفقیت می‌گذرانند. ممکن است جز این به نظر آید، اما ناکامی نبوکدنصر در باب سوم دانیال تأیید می‌شود.

در فرایند آزمایش، که در هر دو فصل اول و دوم دانیال به تصویر کشیده شده است، نشانه‌های نبوتی معینی وجود دارد که با حقایقی که اخیراً در کتاب مکاشفه بیان شده‌اند، هم‌راستا هستند. در فصل اول، «ده روز» نمایانگر دوره آزمایشی بود که به این انجامید که دانیال، به سبب خوردن خوراک آسمانی، صورتی نیکوتر و فربه‌تر ظاهر سازد، در حالی که طبقه دیگر خواجه‌سرایان، صورت کسانی را ظاهر ساختند که از غذای پادشاه خورده بودند. از نظر نبوتی، پادشاه یک پادشاهی است، و از نظر نبوتی پادشاه یا پادشاهی همچنین یک وحش است. کسانی که سیمای ایشان نتایج خوردن غذای پادشاه را آشکار می‌ساخت، صورت وحش را ظاهر ساختند.

در باب دوم دانیال، دانیال دعا می‌کرد تا «سر» نهفته خواب تمثال نبوکدنصر را درک کند. او نیاز داشت بداند خود خواب چه بوده است، و نیز معنای آن چیست. او نماینده کسانی است که در ایام آخر در پی فهم اسرار مرتبط با گشوده شدن مکاشفه عیسی مسیح هستند، زیرا گشوده شدن مکاشفه عیسی مسیح آخرین «سر» نبوتی است که پیش از بسته شدن مهلت آزمایش گشوده می‌شود. همه انبیا، از جمله دانیال، ایام آخر را مشخص می‌سازند. تلاش دانیال برای فهم آن «سر» تلاشی مرگ و زندگی بود، چنان‌که آزمون تصویر وحش برای قوم خدا در ایام آخر نیز چنین است.

«خداوند به روشنی به من نشان داده است که صورت وحش پیش از بسته شدن مهلت آزمایش تشکیل خواهد شد؛ زیرا این همان آزمون بزرگ برای قوم خدا خواهد بود که به واسطه آن، سرنوشت ابدی ایشان تعیین خواهد شد.» Manuscript Releases, volume 15, 15.

دعای دانیال، هنگامی که می‌کوشید «سر» را دریابد، نمایانگر نشانه‌ای معین در تاریخ قوم خدا در ایام آخر است. کتاب دانیال دو شاهد فراهم می‌آورد که نشانه «دعا» را در ایام آخر تثبیت می‌کنند. آن نشانه در دوره‌ای از زمان قرار دارد که به وسیله پیام دوم هر خط اصلاح نمایانده شده است.

فضای نبوی هر دو دعا، هفتاد سال اسارت است که به عنوان نماد، نمایانگر «هفت زمان» لاویان بیست و شش می‌باشد. در دانیال دو، در آیه نخست، نام «نبوکدنصر» دوبار آمده است، و تکرار یک واژه در کلام مقدس نمادی از پیام فرشته دوم است.

در نوشته‌های خواهر وایت چندین ارجاع وجود دارد که باب سوم دانیال را به عنوان نمادی از قانون یک‌شنبه معرفی می‌کند. باب اول دانیال همه ویژگی‌های پیام فرشته اول را در بردارد، و به ما گفته شده است که نمی‌توان پیام سوم (باب سوم دانیال) داشت، مگر آنکه پیام اول و دوم وجود داشته باشد.

آزمون صورت وحش از سوی الن وایت چنین تعریف شده است که آزمونی است که باید پیش از بسته شدن زمان فیض و پیش از آن که مهر شویم، از آن بگذریم. هنگامی که موسیقی در باب سوم دانیال نواخته شد، زمان فیض به طور نمادین بسته شد، زیرا باب سوم نمایانگر قانون یک‌شنبه است. موسیقی نبوکدنصر نمایانگر نغمه‌ای است که فاحشه صور سپس در پایان هفتاد سال نمادینی که در طی آن به فراموشی سپرده شده بود، برای پادشاهان زمین آغاز به خواندن آن می‌کند.

सत्तर; अनुसार के दर्नि के राजा एक, जाएगा दिया भुला तक वर्ष सत्तर सूर कहोगा ऐसा दनि उस और छेड़ राग मधुर; वेश्या हुई भूली है, घूम में नगर, ले वीणा गाएगी। गीत समान के वेश्या सूर पर समाप्त की वर्ष यहोवा कहोगा ऐसा बाद के समाप्त की वर्ष सत्तर और जाए। कयि स्मरण तुझे ताकि, गा गीत से बहुत के जगत सारे ऊपर के पृथ्वी और, जाएगी फरि ओर की मजदूरी अपनी वह और, देगा ध्यान पर सूर । 23:15-17 यशायाह करेगी। व्यभिचार साथ के राज्यो-राज्य

خواهر وایت پیام‌های سه فرشته را به منزله سه آزمون معرفی می‌کند.

«بسیاری از کسانی که تحت پیام‌های فرشته اول و دوم برای ملاقات داماد بیرون رفتند، فرشته سوم را، که آخرین پیام آزمون‌کننده‌ای است که باید به جهان داده شود، رد کردند؛ و هنگامی که آخرین ندا داده شود نیز موضعی مشابه اتخاذ خواهد شد.» Review and Herald, 31 اکتبر 1899.

بر پایه چندین شاهد، باب دوم دانیال همان پیام فرشته دوم است. تاریخ نیرومند شدن فرشته اول تا زمان داوری، همان تاریخی است که به وسیله هفتاد سال اسارت دانیال بازنموده شده است. صحنه دعای دانیال در باب دوم، در درون آن هفتاد سال روی می‌دهد، که نمادی از «هفت زمان» است.

دعائے باب نو کا آغاز ستر برسوں کے ایک براہ راست حوالہ سے ہوتا ہے۔ دونوں دعاؤں کا نبوی پس منظر ایک ہی ہے۔ وہ ایک ہی دعا کے مختلف پہلوؤں کی نمائندگی کرتی ہیں، لیکن دونوں کو "سات اوقات" کے عین اسی پس منظر میں رکھا گیا ہے، اور دونوں آخری ایام کے ایک لاکھ چوالیس ہزار کی تاریخ میں واقع "دعا" کے نشانی راہ کے ساتھ مطابقت رکھتی ہیں۔

की तक राज्य के फारसियों और मादरियों से राज्य के बाबुल वह तब, है करता प्रार्थना में नौ अध्याय दानएल जब तीसरे यह और, है भी मार्गचहिन एक बद्धि-संक्रमण वह है। होता में " अवधि-संक्रमण "संबंधी-भवषियदवाणी एक में रूप के" लौदीकयिई "लोग के परमेश्वर जब, है खाता मेल भी साथ के बद्धि-संक्रमण उसी में गत की स्वर्गदूत

کا گت کی سِوَرگدُت پہلے ہے۔ آتے باہر سے کبڑے کے "فلیدلیفیا" اور، ہمارے پر سڑک  
 تینوں یہ اور، ہے خاتا مِل ساٹھ کے دونوں—گت کی سِوَرگدُت تیسرے اور بدی-سَکرمَن کے دانِ ایل، بدی-سَکرمَن  
 کا لَویدِکِیا سے فلیدلیفیا مِل اَندولن مِلیراڈ ہے۔ ہوا جڑ سے "کال ساٹھ" کے چببیس لَوِیوں سِیڈے  
 "کال ساٹھ" مِل 1863 باڈ اُسکے اور، ہوا ساٹھ کے آگَمَن کے "جُیوَت نیڈ" پر "کال ساٹھ" مِل 1856 سَکرمَن  
 اور، گت کی سِوَرگدُت پہلے مِل کال مِلیراڈ، دانِ ایل مِل نَو اڈیایا گیا۔ دیا کر اَسِوِکار سَروِثا کا  
 ہے خاتا مِل ساٹھ کے دُسرے-اِک جُو ہے بدی-سَکرمَن اِک سَبکا اِن—گت کی سِوَرگدُت تیسرے مِل سَمِی ہمارے  
 ہے۔ سَٹھ مِل پَرپِرِکُش-سَدرِث کے "کال ساٹھ" بدی-سَکرمَن تینوں یہ اور

در تاریخ فرایند آزمایش، دانیال نمایانگر آن پیام آوری است که نوری به او عطا می شود و او نخست آن  
 را با سه همراه خود در میان می گذارد؛ بدین سان، او نقش نبوی «ایلیا» را مجسم می سازد، که همان  
 «صدای نداکننده در بیابان» است.

دانیال کے باب دو کا "بہید" یہ واضح کرتا ہے کہ بائبل نبوت کا آٹھواں مملکت اُن "سات" مملکتوں  
 میں سے ہے۔ چونکہ یہ بائبل نبوت کی مملکتوں کی پہلی نمائندگی ہے، اس لیے یہ مکاشفہ کے باب  
 سترہ میں پائی جانے والی بائبل نبوت کی مملکتوں کی آخری نمائندگی سے مربوط ہوتی ہے۔ آٹھواں  
 مملکت، جو پچھلی "سات" مملکتوں میں سے ہے، اُس انتقالی مرحلے کی نشان دہی کرتا ہے جو جدید  
 بابل کو اڑدہا، حیوان اور جھوٹے نبی کے سہ گانہ اتحاد کے طور پر قائم کرتا ہے۔ نبوکدنصر کا تمثال-خواب  
 بالآخر نبوتی تاریخ کی آٹھویں زمینی مملکت کی نشان دہی کرتا ہے۔

در نبوت کتاب مقدس، یک پادشاہی به صورت وحش معرفی می شود؛ ازاین رو، حقیقتی که خواب  
 مجسمه ای نبوکدنصر نمایانگر آن است، نخستین اشاره به وحش نہایی است، همان گونه که در فصل  
 ہفدہم کتاب مکاشفہ نیز شناسایی شدہ است۔ بنابراین، خواب نبوکدنصر در نہایت خواب تصویر  
 وحش ہشتم و نہایی است۔ این خواب «تصویر وحش» است۔

این فی نفسہ تأییدی است بر اہمیت تشخیص نقطہ انتقالی کہ در حرکت فرشتہ سوم رخ می دہد؛ اما  
 این «راز» ہمچنین کلیدی است کہ بخش عمدہ ای از آنچه مقالات پیشین درباره تاریخ پس از ۱۸ ژوئیه  
 ۲۰۲۰ مشخص ساخته اند، گرد می آورد و استوار می سازد۔ در آن مقالات بیان شدہ است کہ چہار نشانہ  
 ہر یک از جنبش های مقدس اصلاحی، کہ به واسطہ ہفتاد سال اسارت دانیال نمایانده شدہ اند،  
 ہموارہ از یک مضمون واحد برخوردارند۔

آن چہار نشانہ در زمان مسیح در چارچوب «مرگ و قیامت» قرار دادہ شدہ بودند۔ نخستین نشانہ، کہ  
 نمایانگر توان بخشی پیام اول بود، تعمید مسیح بود، یعنی نماد مرگ و قیامت۔ دومین نشانہ، کہ  
 نمایانگر نخستین نومیدی در آن تاریخ است، مرگ و قیام ایلعازر بود۔ سومین نشانہ، ورود ظفرمندانہ  
 بہ اورشلیم بود کہ نمایانگر فریاد نیمہ شب است۔ مسیح بہ سوی مرگ و قیامت خویش رہسپار بود، و  
 ایلعازر، نمایندہ زندہ مرگ و قیامت، پیشاپیش آن کاروان حرکت می کرد۔ ایلعازر ہمچنین ثابت  
 می سازد کہ در هنگام اعلان فریاد نیمہ شب، قوم خدا «مہر» می شوند۔

«این معجزہ تاج گذار، یعنی برخیزانیدن ایلعازر، می بایست مہر خدا را بر کار او و بر ادعای او بہ  
 الوہیت بزند۔» آرزوی اعصار، 529.

چہارمین نشانہ داوری، صلیب بود کہ خود نیز مرگ و قیام بود۔ دورہ آن چہار نشانہ با ہفتاد سال  
 اسارت دانیال بہ تصویر کشیدہ شدہ است۔

در تاریخ میلری، موضوع محوری «اصل یک روز برای یک سال» بود، و ۱۱ اوت ۱۸۴۰ تأیید آن اصل  
 بہ شمار می رفت۔ نخستین ناامیدی نتیجہ بہ کارگیری نادرست اصل یک روز برای یک سال بود۔ فریاد  
 نیمہ شب کمال اصل یک روز برای یک سال در ارتباط با نبوت دہزار و سیصد سالہ و نبوت دہزار و

پانصد و بیست ساله بود، و سپس هنگامی که آن نبوت‌های روز-برای-سال در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ به انجام رسیدند، دآوری تحقیقی آغاز شد. موضوع هر چهار نشانه راه در تاریخ میلری «اصل یک روز برای یک سال» بود. دوره این چهار نشانه راه به وسیله هفتاد سال اسارت دانیال به تصویر کشیده شده است.

در ایام داوود پادشاه، موضوع «تابوت خدا» بود. هنگامی که داوود اقتدار یافت، آنگاه مصمم شد تابوت را به شهر داوود بیاورد.

و داوود پیش می‌رفت و عظمت می‌یافت، و یهوه، خدای لشکرها، با او بود. ۲ سموئیل ۵:۱۰

نخستین ناامیدی زمانی بود که عِزّه با لمس کردن تابوت گناه ورزید. سومین نشانه راه هنگامی بود که داوود دریافت که خداوند خانه عوبیدادوم جتی را، که تابوت از زمان سرکشی عِزّه در آنجا نگاه داشته شده بود، برکت داده است. آنگاه داوود رفت و تابوت را برای ورود ظفرمندانه خود به اورشلیم بازآورد (اما تنها برای آنکه همسرش نسبت به ورود داوود خشم نابخا و «ناامیدی» از خود نشان دهد). هر یک از آن چهار نشانه راه به وسیله تابوت بازنمایی می‌شوند. دوره آن چهار نشانه راه به وسیله هفتاد سال اسارت دانیال بازنمایی می‌شود.

در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، اسلام «وای سوم» رها شد، و سپس مهار گردید. ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰، پیشگویی ناموفقی درباره نقش اسلام بود. پیامی که استخوان‌های خشک مرده را به حیات بازمی‌آورد، از «چهار باد» می‌آید که نمادی از اسلام هستند و بیانگر پیام فریاد نیمه‌شب‌اند. ویرانی ملی‌ای که در پی ارتداد ملی قانون یکشنبه در ایالات متحده رخ می‌دهد، به وسیله اسلام «وای سوم» به وقوع می‌پیوندد. دوره آن چهار نشانه راه با هفتاد سال اسارت دانیال به تصویر کشیده شده است.

جنبش فرشته اول نمایانگر جنبش فرشته سوم است، و پیام «فریاد نیمه‌شب» در تاریخ میلریتی، اصلاح پیشگویی ناکامی بود که نخستین یأس را پدید آورد.

«مایوس‌شدگان از روی کتب مقدس دریافتند که در زمان تأخیر به سر می‌برند، و اینکه باید با شکیبایی در انتظار تحقق رؤیا بمانند. همان شواهدی که ایشان را بر آن داشت تا در سال ۱۸۴۳ در انتظار خداوند خویش باشند، آنان را به این انتظار رهنمون شد که او را در سال ۱۸۴۴ متوقع باشند.» Early Writings, 247.

همان شواهد حمله‌ای اسلامی بر نشویل، شواهد حمله‌ای بر نشویل نیز هست که در پاسخ به اعمال عبادت روز یکشنبه واقع خواهد شد. نوشته‌های روح نبوت هرگز خطا نمی‌کنند. پیش‌گویی حمله‌ای بر نشویل در نوشته‌های روح نبوت بیان شده است. پیش‌گویی نشویل تحقق خواهد یافت، اما پیش‌گویی حمله بر نشویل بر اصلاح پیش‌گویی پیشین که ظاهراً به تحقق نپیوست استوار خواهد بود، همان‌گونه که در تاریخ میلریتی بود. این پیش‌گویی در چهارمین waymark، که waymark نمایانگر «دآوری» است، تحقق می‌یابد.

عیسی همواره پایان را با آغاز به تصویر می‌کشد، و نخستین نشانه راه در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ حمله‌ای از سوی اسلام بود؛ از این‌رو، در زمان دآوری قانون یکشنبه، حمله‌ای اسلامی بر نشویل واقع خواهد شد. چه بسا این امر اهداف دیگری را نیز دربر گیرد، اما پیام فریاد نیمه‌شب، پیامی است که اصلاح آن پیامی را دربردارد که نخستین ناامیدی را پدید آورد. نخستین ناامیدی نه به سبب سخنان الن وایت، بلکه به سبب گناه به‌کار بستن عنصر زمان بر آن پیش‌گویی رخ داد.

مهم است که تشخیص دهیم آن چهار نشانه‌ای که از «توان‌بخشی» پیام نخست آغاز می‌شوند - که در کتاب دانیال در ابتدای هفتاد سال نمادین رخ می‌دهد - همواره تحت حاکمیت یک مضمون واحد قرار دارند. اگر شما یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ را به عنوان تحقق نبوت پذیرفته‌اید، از لحاظ نبوی «کتاب پنهان» را

خورده‌اید. در واقع، افراد بسیار اندکی آن حقیقت را خوردند، اما برخی بودند که، چنان‌که دانیال نمایندگی می‌کند، در دل خود عزم نمودند که به خوراک بابلی آلوده نشوند. با این حال، کسانی نیز هستند که ادعا می‌کنند باور دارند یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ تحقق نبوت بوده است، اما استدلال می‌کنند که نه اسلام، بلکه خاندان بوش، یا جهانی‌گرایان، یا یسوعیان، یا سازمان سیا، یا ترکیبی از این مظنونان همیشگی - که نظریه‌پردازان توطئه معاصر غالباً به کار می‌گیرند - عامل آن بوده‌اند. عیسی، به‌عنوان الف و یاء، پایان را با آغاز به تصویر می‌کشد؛ از این‌رو، اگر ما درباره آنچه در یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ به‌گونه‌ای نبوی به تصویر کشیده شد، در اشتباه باشیم، توانایی خود را برای درست تقسیم کردن کلام نبوی «حق» از میان می‌بریم.

«تقویت» پیام نخست در تاریخ میلری، اسلام وای دوم بود، و آن تقویت، نمادی از تقویتی بود که در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به‌وسیله اسلام وای سوم پدید آمد.

اسلام در نخستین نشانه راه، اسلام را در آخرین نشانه راه شناسایی می‌کند. آخرین نشانه راه نمایانگر داوری است، و ایالات متحده در قانون یک‌شنبه داوری می‌شود. این پیام دوم حزقیال در باب سی‌وهفتم است که مردگان را به حیات می‌آورد، و آن پیام، پیام سومین نشانه راه است، که همان فریاد نیمه‌شب می‌باشد. این پیام مهرگذاری است، چنان‌که در ورود ظفرمندان مسیح که بر «الاعی» سوار بود، نمونه‌وار به تصویر کشیده شده است؛ «الاعی» نمادی از اسلام است. پیام مهرگذاری فریاد نیمه‌شب به‌وسیله اسلام حمل می‌شود.

به دختر صهیون بگویید: اینک پادشاه تو نزد تو می‌آید، حلیم و سوار بر الاغ، و بر کره‌ای که بچه الاغ است. متی ۲۱:۵.

نبوت دوم حزقیال از «چهار باد» برمی‌خیزد که همچنین نمادی از اسلام است. روشن‌بودن کامل درباره این حقیقت، مطلقاً ضروری است، زیرا پیامی که همان «ندای نیمه‌شب» است، پیامی است که اسلام وای سوم را به‌عنوان قدرتی معرفی می‌کند که در هنگام قانون یک‌شنبه، داوری را بر ایالات متحده می‌آورد و خرابی ملی را که در پی آن فرمان پدید می‌آید، به‌وجود می‌آورد.

هفت شیپور مکاشفه داوری‌های خدا بر تحمیل عبادت یک‌شنبه از سوی روم بت‌پرست و روم پاپی بود.

۱. چهار شیپور نخست پس از آن‌که قسطنطین در سال ۳۲۱ نخستین قانون یک‌شنبه را به اجرا درآورد، بر روم بت‌پرست فرود آورده شد.

۲. شیپور پنجم و ششم (که همچنین نخستین و دومین وای اسلام‌اند)، داوری‌های خدا بر روم پاپی بودند، به سبب قانون یک‌شنبه پاپی که در شورای اورلئان در سال ۵۳۸ به تصویب رسید.

۳. شیپور هفتم (که سومین وای اسلام است)، حکمی است که در آینده نزدیک بر ایالات متحده وارد می‌شود، هنگامی که عبادت روز یک‌شنبه را به اجرا درآورد.

اسلام وای سوم، نخستین نشانه راه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ را نمایندگی می‌کند. پیشگویی نافرجام حمله اسلام به نشویل در ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰، نخستین نومی‌دی، یعنی دومین نشانه راه، را نمایندگی می‌کند. پیام «چهار باد» اسلام، چنان‌که در نبوت دوم حزقیال در فصل سی‌وهفتم نمایان شده است، ندای نیمه‌شب، یعنی سومین نشانه راه، را نمایندگی می‌کند، و سپس چهارمین نشانه راه، تحقق پیشگویی نافرجام ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ در قانون یک‌شنبه است. این‌ها آن چهار نشانه راه نبوی هستند که در تاریخ نبوی صد و چهل و چهار هزار، چنان‌که به‌وسیله هفتاد سال اسارت دانیال نمایان شده است، رخ می‌دهند.

شناخت پیام فریاد نیمه‌شب عنصری اساسی از آن «سر» است که به‌صورت نمونه‌وار بر دانیال مکشوف شد، آنگاه که برای فهم خواب تمثال نبوکدنصر دعا کرد. دعای او نشانه‌ای است که در پایان سه روز و نیم مرگ آن دو شاهد مکاشفه یازده قرار دارد. دعای لاویان بیست‌وشش دانیال، چنان‌که در

فصل نهم ثبت شده است، در سال نخست داریوش بود. این امر دعا‌های او را در نقاط انتقال قرار می‌دهد.

نقطه گذار در تاریخ میلری در سال ۱۸۵۶ بود، هنگامی که به‌گفته جیمز و الن وایت، جنبش میلری از فیلادلفیه به لائودیکیه انتقال یافت. در همان سال، «نور جدید» درباره «هفت زمان» در مقالات هیرام ادسن در Review and Herald پدیدار شد، اما در سال ۱۸۶۳ («هفت زمان» بعد)، «هفت زمان» به‌کلی رد شد. دانیال «آن دعا» را که به‌عنوان «چاره» برای «پراکنده‌شدن» «هفت زمان» شناخته می‌شود، در نقطه گذار میان پادشاهی اول و دوم نبوت کتاب مقدسی به‌جا آورد.

سه‌ونیم نمادی است برای هزار و دویست و شصت سال، که آن نیز به‌نوبه خود نمادی از «هفت زمان» است. در ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰، جنبش لائودیکیه‌ای Future for America، سرکشی در برابر فرمان خدا را که می‌گفت هرگز بار دیگر پیامی نبوی را بر زمان نیاویزند، آشکار ساخت. سپس آن جنبش در کوچه مکاشفه یازده، که از میان وادی استخوان‌های خشک مرده حزقیال می‌گذرد، «کشته» و «پراکنده» شد. در پایان آن زمان «پراکنده‌شدن»، که همچنین «زمان درنگ» در مثل ده باکره است، اکنون ایشان به‌وسیله «آوازی نداکننده» از درون «بیابان» «سه‌ونیم» روز، از قبرهای خویش فراخوانده می‌شوند.

همان‌گونه که میلری‌ها سرانجام دریافتند که در آن زمان در «دوران تأخیر» متی باب بیست‌وینچ و حبقوق باب دو قرار داشتند، «دو شاهد مرده» نیز باید هنگامی که «صدا در بیابان» ندا می‌دهد، جایگاه خود را تشخیص دهند. آنان باید دریابند که «پراکنده» شده‌اند. آن تشخیص، دعوتی به «دعا» است؛ اما نه صرفاً دعا، بلکه دعوتی است به دعای دانیال در لاویان باب بیست‌وشش. بدون آن دعای مشخص، هیچ احیایی در کار نخواهد بود. این احیا نقطه گذار از لائودیکیه به فیلادلفیا را مشخص می‌سازد و پدیده نبوتی «هشتمی از میان آن هفت» را پدید می‌آورد، چنان‌که به‌وسیله تمثال نبوکدنصر در دانیال باب دو تأیید می‌شود.

هنگامی که آن دعای توبه و اعتراف به‌انجام برسد، وعده این است که خدا آنگاه عهد خود را به یاد خواهد آورد و قوم پراکنده خویش را گرد خواهد آورد. نخستین نبوت حزقیال استخوان‌ها را به هم گرد آورد، و سپس نبوت او درباره «چهار باد» «فیلادلفیاییان» تازه‌متولدشده را به لشکری عظیم تبدیل کرد... لشکری عظیم که، بنا بر مکاشفه یازده، آنگاه می‌بایست با «ابری از فرشتگان» «به آسمان بالا برده شوند». پس ایشان «عَلَم» خداوند هستند.

«راز» دانیال دو، چنان‌که اکنون شیر سبط یهودا آن را آشکار می‌سازد، پدیده «هشتمی از هفت» را تأیید می‌کند... و هر عنصر نبوی دیگر دانیال دو نیز با توالی نبوی دو شاهد مکاشفه یازده هماهنگ است. دو شاهد باب یازدهم مکاشفه، در همان «ساعت»ی که قانون یکشنبه واقع می‌شود، «چون عَلمی برافراشته می‌شوند»، زیرا ایشان در «زلزله عظیم» باب یازدهم مکاشفه برافراشته می‌شوند. «زلزله عظیم» یک‌دهم شهر را نابود می‌سازد، و ایالات متحده پادشاه اصلی «ده پادشاه» است، همان‌گونه که فرانسه بود، آنگاه که «زلزله» انقلاب فرانسه، فرانسه را در تحقق باب یازدهم مکاشفه محو کرد.

تحققُ الإِتِمَامِ الْكَامِلُ لذلك الزلزال على الوحش الخارج من «الأرض»، ويُحدِثُ قانونُ الأحد في مملكة وحش الأرض رجّةً. إن الإِتِمَامِ الْكَامِلَ لـ«الزلزال» الوارد في رؤيا الإصحاح الحادي عشر هو قانون الأحد حين يهز وحش «الأرض»، ويعقب الارتداد الوطني الخراب الوطني. في تلك الساعة يرفع الشاهدان «كراية». وهما «يصعدان إلى السماء في السحاب»، كما صعد المسيح إلى السماء للمرة الأخيرة. وقد سُجِّلَت كلماته الأخيرة إلى التلاميذ، الذين يرمزون إلى شعب الله في الأيام الأخيرة، والذين هم أيضاً مزمعون أن يرفعوا إلى السماء كراية، في سفر أعمال الرسل.

اور اُس نے اُن سے کہا، تمہارا یہ کام نہیں کہ اُن وقتوں یا میعادوں کو جانو جنہیں باپ نے اپنے ہی اختیار میں رکھا ہے۔ لیکن جب روح القدس تم پر نازل ہوگا تو تم قوت پاؤ گے، اور یروشلم میں، اور تمام یہودیہ میں، اور سامریہ میں، بلکہ زمین کی انتہا تک میرے گواہ ہو گے۔ اور یہ باتیں کہہ کر، اُن کے دیکھتے دیکھتے وہ اوپر اُٹھا لیا گیا، اور ایک بادل نے اُسے اُن کی نظروں سے اوجھل کر لیا۔ اعمال 9:1-7

کسانی کہ می‌خواهند «رایت» باشند، باید از به‌کاربردن «زمان‌ها و فصل‌ها» روی برتابند، اگر بخواهند قدرت روح‌القدس را برای انجام دادن کار «رایت» دریافت کنند.

«رازی» کہ در فصل دوم بر دانیال مکشوف شد، همان راز مکاشفہ عیسی مسیح است کہ اندکی پیش از بسته‌شدن در فرصت امتحان گشوده می‌شود. آن «راز» دربرگیرندہ «تاریخ پنهان» «هفت رعد» نیز هست. آن تاریخ بر واژه‌ای عبری بنا شدہ است کہ از کنار هم نهادن حرف اول، سیزدهم و آخر الفبای عبری پدید آمدہ است. هنگامی کہ آن حروف در کنار هم قرار می‌گیرند، واژہ عبری «حقیقت» را تشکیل می‌دهند. عیسی همان «حقیقت» است، کہ نیز اول و آخر است. آن سه حرف، ساختار هر جنبش بزرگ اصلاحی را نمایندگی می‌کنند، زیرا نمایندہ فرشتہ اول، دوم و سوم‌اند. آنان نمایانگر فرآیند سه‌مرحلہ‌ای تطہیرند کہ دانیال در فصل دوازدهم آن را با این عبارات بیان می‌کند: «پاک شوند، سفید گردند و آزمودہ شوند». این فرآیند سه‌مرحلہ‌ای آزمون و تطہیر، بیش از دو دہہ است کہ توسط Future for America ارائه شدہ است، اما اکنون شناختہ شدہ است کہ نمایانگر یک «تاریخ پنهان» در درون خطوط مقدس اصلاح است. آن «تاریخ پنهان» تحقق کامل «هفت رعد» است کہ تا کنون مہر شدہ بود، درست پیش از بسته‌شدن در فرصت امتحان.

مدت‌ہاست کہ درک شدہ است کہ هفت رعد نمایانگر «ترسیمی از وقایعی هستند کہ تحت پیام‌های فرشتہ اول و دوم رخ دادند»، و نیز نمایانگر «رویدادہای آیندہ‌ای هستند کہ بہ ترتیب خود آشکار می‌شدند». اکنون از طریق مکاشفہ «حقیقت» آشکار شدہ است کہ سه نشان راہ پایانی یک خط اصلاح، «تاریخ پنهان» هفت رعد هستند. آن نشان‌های راہ با «نخستین» نومیدی آغاز می‌شوند و با «آخرین» نومیدی پایان می‌یابند. نشان راہ میانی فریاد نیمہ شب است. نخستین نومیدی آغاز «زمان تأخیر» را مشخص می‌کند، کہ در فریاد نیمہ شب پایان می‌یابد. پیام فریاد نیمہ شب در «داوری» پایان می‌پذیرد، جایی کہ آخرین نومیدی مشخص می‌شود.

نخستین نومیدی در باب دوم دانیال، آگاہی دانیال از این بود کہ او تحت «فرمان مرگ» قرار گرفتہ است. سپس او «مہلت» خواست، و بدین‌سان آغاز «زمان تأخیر» را رقم زد. این امر بہ درک او از «راز» انجامید، کہ همان پیام فریاد نیمہ شب است؛ پیامی کہ آنگاہ بہ نبوکدنصر عرضہ شد تا او بتواند پیام دانیال را «داوری» کند.

قضاوت نبوکدنصر درباره رؤیا و تعبیری کہ دانیال ارائه کرد، سومین سه نشانہ‌ای را رقم می‌زند کہ نمایانگر «تاریخ پنهان» هفت رعد است. آن قضاوت همچنین در باب سوم دانیال از سر گرفتہ می‌شود، کہ بیانگر اصلی است کہ در کتاب‌های دانیال و مکاشفہ بہ‌گونہ‌ای استوار بہ کار گرفتہ شدہ است؛ و آن اصل «تکرار و بسط» است.

ما در مقالہ بعدی بہ فصل سوم خواهیم پرداخت، اما شایستہ است در اینجا خاطر نشان شود کہ داوری نشانہ سوم در فصل سوم، واپسین نومیدی را مشخص می‌سازد؛ نومیدی‌ای کہ نومیدی نخستین نمونہ آن بود. «تاریخ پنهان» هفت رعد، سه نشانہ را مشخص می‌سازد کہ با یک نومیدی آغاز می‌شود و با نومیدی دیگری پایان می‌یابد. در فصل دوم دانیال، نومیدی نخستین با «فرمان مرگ» از سوی نبوکدنصر مرتبط است، و در فصل سوم، واپسین نومیدی با «فرمان مرگ» دیگری از سوی نبوکدنصر مرتبط می‌باشد.

«تاریخ پنهان» «دو شاهد» که نماینده جنبش Future for America هستند، بیانگر ناامیدی ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ است. آنگاه «زمان درنگ» آغاز شد، چنان که در باب یازدهم مکاشفه به وسیله «سه روز و نیم» به تصویر کشیده شده است. بیداری و قیام کسانی که به دست وحشی که از «هاویه» برمی خیزد «در کوچه ها کشته شدند»، به طور مشخص در کلام نبوی خدا تفصیل یافته است؛ اما در سطحی ساده، هنگامی که آن دو شاهد بیدار می شوند، «راز»ی را که در باب دوم دانیال نشان داده شده است، درمی یابند.

آن «راز» پیام فریاد نیمه شب است، که آنان سپس آن را تا باب سوم دانیال اعلام می کنند؛ هنگامی که قانون یکشنبه که به زودی خواهد آمد، فرا می رسد و آخرین نومیدی رخ می دهد. نخستین نومیدی را کسانی تجربه کردند که در ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ به صورت «دانیال» به تصویر کشیده شده اند. آخرین نومیدی را رهبر «ده پادشاه»، یعنی ایالات متحده، تجربه می کند؛ آن گاه که ارتداد ملی، ویرانی ملی از جانب اسلام را به ارمغان می آورد.

خلاصه و نتیجه گیری فصل دوم دانیال را در مقاله بعدی به پایان خواهیم رساند.

«شیطان جهان را به اسارت گرفته است. او سبت بتی را پدید آورده و ظاهراً برای آن اهمیت عظیم قائل شده است. او تکریم جهان مسیحیت را از سبت خداوند ربوده و به این سبت بتی معطوف ساخته است. جهان در برابر یک سنت، یک حکم ساخته انسان، سر فرود می آورد. همان گونه که نبوکدنصر تمثال زرین خود را در دشت دورا برپا ساخت و بدین سان خویشتر را برکشید، شیطان نیز در این سبت کاذب خویشتر را برمی افرازد؛ سبتی که برای آن جامه آسمان را به سرقت برده است.» Review and Herald, March 8, 1898.